**نقد ادبی: نگرشی به واژه کدری**

**میرزانیا، منصور**

در جای جای فرهنگها و لغتنامه‏های فارسی‏1از«لغت فرس اسدی»تا«صحاح الفرس»، «تحفة الاحباب»،«فرهنگ جعفری»،«دستور الافاضل»،«سرمهء سلیمان»،«برهان قاطع»، «فرهنگ رشیدی»،«جهانگیری»و غیاث اللغات که در حقیقت منابع اصلی شناخت واژگان ما هستند،به تسامحات و برون‏نگری‏هایی از پدید آوردندگان آن برمی‏خوریم که درخور دقّت و توجه است.گردآورندگان متأخر،از متقدّمان خود پیروی کرده و عینا همان شرح و تفضیلات‏ را دربارهء هر لغت آورده‏اند که این خالی از روح حقیقت‏جویی است.بسا که واژه‏ای در چند فرهنگ به غلط معنی شده،حتّی بعضی از معاصران هم همان اشتباهان را تکرار کرده اند.البته‏ گاهی تشخیص معنی واژه و دستیابی بر مدلول آن بر فرهنگنویس دشوار بوده و از سویی منبعی‏ که بتواند واژگان را روشن سازد در اختیار نبوده است.بسیاری از کلمات نیز در استنساخ و تصحیح دستخوش تغییر فساد گردیده که این نیز مزید بر علّت شده است.اینک نمونه‏ای از این دست:

کدری بر وزن قمری به شکلهای:کودره-گودره-گودرز-کودری هم ضبط شده‏ است.این واژه که نام مرغی است در لغتنامه‏ها به گونه‏های مختلفی تعریف و نفسیر گردیده:

دکتر معین،آن را نوعی مرغ سنگ خوار تیره رنگ پشت ابلق زرد گلو شمرده است.

برهان قاطع ذیل کودره(بر وزن مسخره)می‏گوید:نوعی مرغابی باشد که مکان در آب سازد.

فرهنگ تحفة الاحباب آن را به شکلهای«کوذره»و«کندره»ضبط کرده و می‏نویسد: «هر دو مرغکی کوچک را گویند که در آب نشیند و تیهو نیز گویندش»همچنین زیر واژهء «کودره»آورده است:

«مرغی باشد کبود که در آب نشیند و آن را فرنون گویند.»

در صحاح الفرس محمد بن هندوشاه ذیل«کودره»آمده است:«مرغی آبی باشد، کوچک و در آب تیز نشیند بزرگتر را-سوک دم-خوانند و کوچکتر را خشنسار.»- خشنسار مرغابی سرسیاه را گویند یا مرغابی سیاه‏رنگ سرسفید.

فرهنگ جعفری از محمد مقیم تویسرکانی قرن یازدهم نیز«کودره»و«کندره»را مرغ‏ کوچکی که در آب نشیند معنی کرده است.همچنین این پرنده به شکل«گودرز»در برهان‏ قاطع،صحاح الفرس و فرهنگ جعفری ضبط شده است.

دکتر معین در«فرهنگ فارسی»دربارهء«کودره»نوشته است:«هویّت آن شناخته‏ نشد.»

با دقّت در این واژه‏ها می‏توان گفت برخلاف شکل ظاهری آنها،همه یک واژه‏اند که‏ در نوشته‏ها و فرهنگها تغییر شکل پیدا کرده‏اند\*.اصل همه واژه‏ها«کو»به فتح یا ضم اول به‏ معنی کبک است که در بعضی لهجه‏ها و گویشهای فارسی خصوصا گویش کردی هنوز هم مورد استفاده است.و«دری»جزء دوم آن با یاء نسبت،منسوب به«دره»می‏باشد.

بنابراین می‏توان نتیجه گرفت برخلاف آنچه فرهنگنویسان آورده‏اند،«کودره و گودره» و مخفّف آن«کدری»همان کبک دری است.کبک دری گونه‏ای از کبک است که اندکی‏ بزرگتر از آن و محل زیست این پرنده در کوهستانهای دنا و دماوند است.در ابیات زیر همراه‏ بودن کبک و کدری(کودره-گودره)با کبک مبین این ادعاست زیرا مرغابی با کبک‏ همزیست و همبازیست.

باز شکارجوی هزیمت شد از شکار از کبک ننگرد به سوی کبک و کودره‏2 در دامن کوه کبک شبگیران‏ در رفت به هم به رقص با کدری‏3 پیل از تو چنان ترسد چون گودره از باز شیر از تو چنان ترسد چون کبک ز شاهین‏4

\*یادآوری:بر اهل ادب پوشیده نیست که نمونه‏های بسیاری از این دست را می‏توان‏ مثال آورد که بیش از این در حوصله این مقال نمی‏گنجد.

(1).فرهنگهای مورد استفاده:برهان قاطع،تصحیح دکتر محمد معین چاپ امیرکبیر تحفة الاحباب،تصحیح فریدون تقی‏زاده چاپ آستان قدس-فرهنگ جعفری،تصحیح سعید حمیدیان،مرکز نشر دانشگاهی-دستور الافاضل،به اهتمام دکتر نذیر احمد،انتشارات بنیاد فرهنگ ایران‏ (1352)-صحاح الفرس،به کوشش عبد العلی طاعتی بنگاه ترجمه و نشر کتاب و فرهنگ فارسی‏ معین چاپ امیرکبیر.

(2).دیوان کسایی،تصحیح دکتر محمد امین ریاحی،انتشارات توس،صحفه 112.

(3).دیوان منوچهری دامغانی،چاپ دکتر سید محمد دبیر سیاقی،بیت 1420.

(4).دیوان فرحی سیستانی،چاپ دکتر سید محمد دبیرسیاقی،بیت 5899.

نشر البرز منتشر می‏کند:

پرونده محرمانه جنگ خلیج فارس

نوشته:پیر سالیجر(منشی پیشین کاخ سفید)

و

اریک لوران(نویسندهء کتاب ودکاکولا)

ترجمه و مؤخره:

دکتر مصطفی رحیمی